

---

# سلوک به سوی صبح

---

همراه با داستان « خواب جزیره »

هرمان هسه

مترجم

سروش حبیبی



نشر ماه

تهران

۱۳۹۷

این ترجمه را به عزیزانم شیده و  
دکتر کاظم ایزدی تقدیم می‌کنم.

### چند کلمه درباره‌ی کتاب

این داستان را زندگی‌نامه‌ی نمادین هسه دانسته‌اند. کتاب در سال ۱۹۳۲  
عشر شده است، یعنی یک سال بعد از آن‌که هسه برای بار سوم ازدواج  
کرد و با همسرش، نینون آوسلندر<sup>۱</sup>، به مونتانیولا<sup>۲</sup> رخت کشید. کتاب  
شرح سلوک معنوی ه. ه. (هرمان هسه) است به سوی صبح معرفت  
(به آلمانی Morgenland: «دیار صبح یا شرق»). ه. ه. چند سال «پس  
از پایان جنگ بزرگ» به حلقه‌ی سالکان راه صبح می‌پیوندد تا در این  
سلوک جلیل شرکت جوید. این سلوک تلاشی است بیرون از زمان و  
مکان شرق او شرق جغرافیایی نیست و از قید زمان نیز آزاد است.  
مونتسارت و آلبرت کبیر<sup>۳</sup> و نیز اشخاص داستان‌های او، مثل گلدموند و  
کلنگزور و زیدارته‌ها و...، در کنار هم در آن شرکت دارند. اما رشته‌ی  
این سلوک، در همان آغاز کار، در خم اولین کوچه، با ناپدید شدن لئوی  
حجرتگزار، برای ه. ه. واگسسته می‌شود؛ به این معنی که در نظر او

1. Ninon Ausländer

2. Montagnola

3. Albertus Magnus

همین ماجرای به ظاهر مبتذل در صفوف زائران نفاق ایجاد می‌کند و اعضای گروه یک‌یک حلقه را و می‌گذارند. ه. ه. که خود را غیر از دیگران و تنها رهرو صادق و درست‌پیمان می‌شمارد، با افسوس از پراکندگی جمع مشتاقان به فکر می‌افتد که تاریخچه‌ی سلوک را بنویسد تا این نهضت فراگیر دل‌ها دست‌کم بر کاغذ باقی بماند؛ ولی درمی‌یابد که جز جزئیاتی بی‌قدر چیزی در ذهنش نمانده است. اما خارخار تردید آسوده‌اش نمی‌گذارد: اگر حلقه به راستی متلاشی نشده و او خود، چنان‌که بسیاری سالکان سست‌ایمان، نادانسته آن را ترک گفته باشد چه؟ در تلاش برای باز یافتن سر رشته به جست‌وجوی لئو می‌افتد و سرانجام او را باز می‌یابد و زندگی سراسر صفا و هماهنگی او را با در ماندگی بی‌پایان خود در تضادی شدید می‌بیند. لئو خاطر او را آسوده می‌کند که حلقه کماکان برقرار است و او را به مخزن اسرار آن هدایت می‌کند تا بتواند چنان‌که می‌خواهد تاریخچه‌ی آن را بنویسد. او پی می‌برد که لئو، این خادم حقیر، در واقع سالار و سر حلقه‌ی مشتاقان است و آرمان آن را، که خدمت در عین گمنامی است، در وجود خویش نهفته می‌دارد و او، ه. ه.، خود را چنان اسیر منی خویش می‌یابد که نخستین قاعده‌ی سلوک، یعنی «خدمت»، را از یاد برده و نسبت به حلقه مرتد شده است. اما همین‌که به خطای خود پی می‌برد با تبسم سالکان فراهم آمده‌ی حلقه مجازات می‌شود. خودبینی‌اش جای خود را به آرمان اعلا‌ی خدمت می‌دهد و جای خود را در صفوف حلقه باز می‌یابد.

یکی از موضوع‌های مهم داستان، گذشته از آرمان خدمت، این تندیته است که سالکان راه این سلوک در باطن به جهان معنویتی جاوید معتقدند و آن را فقط از راه شهود درک می‌کنند، اما راز آن هرگز در دسترس نامعتقدان نیست. ه. ه. چون حلقه را و می‌گذارد دیگر قادر به درک معنی سلوک نیست و در پایان، هنگامی که دیگر بار مجذوب این جرگه‌ی معنوی می‌شود، دیگر نمی‌تواند تجربه‌ی خود را برای خواننده‌ی نامعتقد وصف کند. سلوکی که در عنوان کتاب به آن اشاره شده است در حقیقت قبل و بعد از روایت داستان واقع می‌شود. اقدام به نوشتن تاریخ سلوک خود نشان نو میدی راوی است، زیرا اعضای راستین حلقه همه به بی‌حاصلی تلاش در افشای راز اصلی حلقه معترفند.

همه برای شکل‌بخشیدن به داستانش، که به سبب همان کیفیتش به آسانی ممکن است در اغتشاشی بی‌شکل فرو افتد، این جانیز به طعنه، چنان‌که برای تجسم توراتی «دمیان»، قالبی قراردادی اختیار می‌کند. حلقه‌ی او و قطب آن، لئو، تا حیرت‌انگیزترین جزئیات طرح و وصف، دارای خصوصیتی است که از رمانس گوتیک او آخر قرن هجدهم مایه گرفته است.

این داستان، که چنان‌که گفته شد زندگی‌نامه‌ی نمادین خود نویسنده است، هوشمندانه پرداخته شده است. اماکن گوناگون و وقایع مذکور در آن، و بیش‌تر اشخاصی که با نام‌های ساختگی در آن نام برده شده‌اند، نماینده‌ی مراحل و حوادث زندگی خصوصی اوینند. مثلاً